

بسم الله الرحمن الرحيم

99/10/25

موضوع: ادله مُتَقَن در اثبات شهادت حضرت زهرا (سلام الله عليها) با سندهای صحیح

ویژه برنامه صدیقه شهیده

فهرست مطالب این برنامه:

این است قدرت مکتب شیعه و اهل بیت (علیهم السلام)

آیا کسی پیدا می شود به این سؤال ساده پاسخ بدهد!؟

ادله مُتَقَن در اثبات شهادت حضرت زهرا (سلام الله عليها) با سندهای صحیح

بررسی سند روایت «کنزل الفوائد» در شهادت حضرت زهرا (سلام الله عليها)

بررسی وثاقت «سلیم بن قیس» و روایت دال بر شهادت حضرت زهرا (سلام الله عليها)

چرا علمای اهل سنت از ذکر چگونگی شهادت حضرت زهرا خودداری کردند!

تجربه ای عجیب، در مطالعه از کتابخانه بزرگ مکه مکرمه!

تماس بینندگان برنامه

تمسک امیرالمؤمنین به سیره انبیای گذشته در برخورد با غاصبان خلافت!

چرا شما شیعیان بر مسئله شهادت حضرت زهرا پافشاری می کنید!؟

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين إنه خير ناصر و معين و صلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين

تازیانه خصم اگر بر دخت پیغمبر نمی‌زد

کعب نی هرگز کسی بر زینب اطهر نمی‌زد

گر نمی‌شد حق حیدر غصب تا روز قیامت

پشت پا کس بر حقوق آل پیغمبر نمی‌زد

دشمن بی رحم اگر بر بیت وحی آتش نمی‌زد

عصر عاشورا کسی بر خیمه‌ها آذر نمی‌زد

محسن شش ماهه گر مقتول پشت در نمی‌شد

حرمه تیری به حلقوم علی اصغر نمی‌زد

دختر غم دیده ویران نشین سیلی نمی‌خورد

خصم اگر در کوچه سیلی بر رخ مادر نمی‌زد

صلى الله عليك يا فاطمة الزهراء صلى الله عليكم يا أهل بيت النبوة

سلام عرض می‌کنیم خدمت شما بینندگان و همراهان عزیز «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

شهادت مظلومانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را خدمت همه شما بینندگان و محبین آل الله تسلیت عرض می‌کنیم. ان شاء الله در قیامت به تعارف و دعا و شفاعت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) وارد بهشت شویم.

با ویژه برنامه حضرت فاطمه زهرا با عنوان «صدیقه شهیده» در خدمت شما و در محضر حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم. خدمت ایشان عرض سلامی داشته باشیم، برمی‌گردیم و در خدمت شما خواهیم بود. سلام علیکم حاج آقا، عظم الله أجورکم؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و پاک خانواده خودشان قرار دادند، خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت روزافزون تقدیم می‌کنم.

شهادت جانسوز و مظلومانه حضرت صدیقه طاهره پاره وجود نبی گرامی اسلام را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه مندان به اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان عزیز، تعزیت و تسلیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی حضرت صدیقه طاهره سوگند می‌دهم پاداش ما را فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم قرار بدهد، ان شاء الله.

مجری:

خیلی ممنون و متشکرم. حاج آقا ایام، ایام محنت و غم و اندوه اهل بیت (علیهم السلام) است. ایامی که حضرت فاطمه زهرا و خاندان وحی مصیبت‌های فراوانی دیدند.

در این ایام شبکه‌های وهابی دائماً تحدی می‌کنند و سؤالشان این است که آیا عالم شیعی یا شخصی در بین شیعیان پیدا می‌شود که شهادت حضرت فاطمه زهرا را از کتب شیعه و اهل سنت با سند صحیح برای ما اثبات کند؟!

یقیناً این بحث بارها و بارها مطرح شده و برای کسانی که جوینده حق هستند حل شده هست، اما می‌خواهیم شیعیان بدانند و کسانی که با قصد و غرض این مطالب را مطرح کردند امشب با لحن و استدلال محکم و مستند حضرتعالی دهانشان بسته شود.

ان شاء الله اگر وقت اجازه بدهد، مطالبی برای اثبات شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با سند صحیح از کتب شیعه و اهل سنت برای ما بفرمایید. حال هرطور که خودتان مایل هستید شروع بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله أفض امری إلی الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

خدایا به حق حضرت صدیقه طاهره آنچه رضای تو و رضایت ولی تو در آن هست، بر زبان ما جاری فرما تا موجب رضایت و خوشنودی حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) باشد.

این است قدرت مکتب شیعه و اهلبیت (علیهم السلام)

شبکه‌های وهابی در هر فرصتی و هر برهه‌ای از زمان به دنبال فرصتی می‌گردند که شعارهای توخالی بدهند، یک سری تحدی‌هایی بیان کنند و یک سری حرف‌هایی مطرح کنند.

تا به حال اتفاق نیفتاده که شبکه‌های وهابی یک مورد تحدی کرده باشند، اما ما جواب محکم و قاطع نداده باشیم. در این زمینه بنده حتی یک مورد هم سراغ ندارم.

خدا را شاکرم که بیش از دویست جلسه مناظره و گفتگو با اساتید دانشگاه و مفتیان و مفتی اعظم در خاک عربستان سعودی داشتم. بنده به حضرت صدیقه طاهره سوگند می‌خورم یک مورد نبوده است که آنها شبهه‌ای مطرح کنند و ما در جواب عاجز باشیم.

این افتخار شیعه است، بنده که عددی نیستم!! الحمدلله مذهب شیعه برگرفته از قرآن و سنت راستین رسول گرامی اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) است.

ائمه اطهار (علیهم السلام) به قدری ادله و برهان برای حقانیت این مذهب بیان کرده‌اند که به تعبیر امام صادق؛

«حَاجُّوا النَّاسَ بِكَلَامِي، فَإِنْ حَاجُّوكُمْ كُنْتُ أَنَا الْمَخْجُوجَ لَا أَنْتُمْ»

با مردم با سخنان ما مناظره کنید، زیرا اگر شکست خوردید شکست شما شکست من است.

إعتقادات الإمامية، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کنگره شیخ مفید، ایران؛ قم، 1414 ق؛

ص 43، باب الاعتقاد فی التناهی عن الجدل و المراء فی الله عزّ و جلّ و فی دینه

همچنین نقل شده است که مردی شامی در منا خدمت امام جعفر صادق می‌رسد و عرضه می‌دارد: یا بن رسول الله! آمدم با شما مناظره کنم. حضرت ابتدا به «حمران بن أعین» دستور می‌دهد تا با این شخص مناظره کند.

این قضیه را مرحوم «کلینی» در کتاب «کافی» جلد اول صفحه 171 و 172 نقل کرده است. همچنین «مرحوم کشی» در کتاب «رجال» خود حدیث 494 این قضیه را نقل می‌کند. این فرمایش امام صادق به مذاق مرد شامی خوش نمی‌آید و عرض می‌دارد:

«إِنَّمَا أُرِيدُكَ أَنْتَ لَا حُمْرَانَ»

من آمدم با تو مناظره کنم، نه با حمران.

«فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّ غَلَبْتَ حُمْرَانَ فَقَدْ غَلَبْتَنِي»

امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر بر حمران پیروز شدی، بر من پیروز شده‌ای!

رجال الکشی- إختيار معرفة الرجال، نویسنده: کشی، محمد بن عمر، محقق / مصحح: طوسی، محمد

بن الحسن / مصطفوی، حسن، ص 276، ح 494

امام صادق (علیه السلام) این چنین نیروهایی تربیت کرده‌اند. آثار اهل بیت (علیهم السلام) برای ما بسیار زیاد است.

بنده در یکی از سفرها به آلمان در جلسه‌ای با تعدادی از پزشکان که اکثراً فوق تخصص بودند، صحبت می‌کردم. یکی از پزشکان گفت: ما باور نمی‌کردیم شیعه اینقدر دلیل و برهان برای حقانیت خود داشته باشد. ما امروز به شیعه بودن خود افتخار می‌کنیم!!

همچنین در یکی از شب‌ها که در شبکه برنامه داشتیم، خانمی از نیویورک تماس گرفت و گفت: من بیست و پنج سال هست که در آمریکا هستم. همسایه‌های ما اکثراً از کشورهای عربی هستند و غالباً سنی و وهابی هستند.

زمانی که بحث شیعه و سنی مطرح می‌شود بنده معمولاً از جلسه بیرون می‌روم، زیرا نه توانایی پاسخ دادن دارم و نه تاب و تحمل دارم. در حال حاضر چندین ماه است که برنامه‌های شما را می‌بینم و به دنبال یک سنی یا وهابی می‌گردم با او مناظره کنم!

مکتب شیعه و اهل بیت این است. بنابراین ما الحمد لله رب العالمین بارها و بارها به تحدی‌های آقایان پاسخ دادیم.

آیا کسی پیدا می‌شود به این سؤال ساده پاسخ بدهد؟

در مقابل ما چندین سال است یک سؤال اساسی از وهابیت پرسیدیم، اما نتوانستند به ما پاسخ بدهند. سؤال ما به قدری عامیه است که حتی کودک درون گهواره هم آن را می‌فهمد.

ما از این افراد پرسیدیم سند صحیحی برای قرآنی که می‌خوانید به ما نشان بدهید. ما پرسیدیم یک سند صحیح از قرآنی که به شما رسیده است، به ما اعلام کنید.

وهابیت تا به حال نتوانستند سند صحیحی بر مبنای اهل سنت برای اثبات صحت سند قرآن بیاورند و سندی ندارند.

ما هزار و چهارصد سال است که با اسلام و رسول اکرم فاصله داریم. آقایان معتقدند که نبی گرامی اسلام این اندازه فکرشان نرسیده است که قرآن کریم را جمع آوری کند. بعد از رسول گرامی اسلام، خلیفه اول آمد و قرآن کریم را جمع کرد!!

روایتی از قول عایشه همسر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این زمینه نقل شده است.

این روایت در کتاب «الإتقان» جلد 2 صفحه 66، کتاب «الدر المنثور» جلد 5 صفحه 180، «روح المعانی» اثر «آلوسی» جلد 21 صفحه 142 نقل شده است.

در روایت آمده است که عایشه می‌گوید: زمانی که ما سوره احزاب را در زمان پیغمبر اکرم می‌خواندیم، دویست آیه داشت. این در حالی است که سوره احزاب هشتاد و اندی آیه دارد.

ما می‌خواهیم بدانیم این صد و سی آیه کجاست؟! آقایان به ما جواب بدهند. این قضیه را برای ما ثابت کنید.
آیا آقایان مطلبی بالاتر از قرآن می‌خواهند؟!

قرآن کریم ثقل اکبر است و از ماجرای حضرت فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین بالاتر است. امام حسین برای احیای قرآن کریم خود را به شهادت رساندند.

بازهم در کتاب «صحیح سنن ابن ماجه» اثر «البانی» جلد چهارم صفحه 444 روایتی با سند صحیح از قول عایشه نقل شده است که آیه رجم و آیه رضاء کبیر را در یک برگ درختی نوشته بودیم و زیر رختخواب من بود.

«فلما مات رسول الله صلى الله عليه وسلم وتشاغلنا بموته دخل داجن فأكلها»

زمانی که پیغمبر اکرم از دنیا رفت و ما مشغول کفن و دفن رسول الله بودیم، بزغاله آمد و برگ را خورد.

صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، المؤلف: محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفى: 1420 هـ)، مصدر
الكتاب: برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن
والسنة بالإسكندرية، ج 4، ص 444، ح 1944

«داجن» به معنای «شاة» است و مراد گوسفند، بز یا بزغاله است. ما حیرانیم این بزغاله چقدر فهمیده بوده است که داخل اتاق شده و می‌دانست که زیر رختخواب عایشه برگ درخت سبزی هست که در روی آن آیه‌ای از قرآن کریم نوشته شده است!

در نتیجه آیه‌ای از قرآن کریم در شکم این بزغاله رفته است. ما به این آقایان گفتیم که اگر برای ما اثبات کردید آیه‌ای که بزغاله آن را خورده کدام آیه بوده است، ما در امارات صد هزار درهم به شما پاداش خواهیم داد.

این افراد با این پاداش ما نه تنها ده دستگاه گوشی آیفون، بلکه می‌توانند صد دستگاه گوشی آیفون بخرند. وهابیت تا به حال نتوانستند به این سؤال ما پاسخ بدهند.

این افراد یک سری حرف‌هایی می‌زنند که تنها خود را به دردسر می‌اندازند. ضرب المثلی عربی داریم که می‌گوید: «من کان بیته من الزجاج، فلا یرمی الحجر»؛ کسی که خانه‌ای شیشه‌ای دارد، هرگز به خانه کسی سنگ پرتاب نمی‌کند!

زمانی که شخص سنگ پرت کرد و طرف مقابل هم پاسخ داد، تمام خانه شیشه‌ای فرو می‌ریزد.

ما بارها پاسخ این سؤالات را از این آقایان خواستیم، اما هیچ پاسخی به ما ندادند. آقای «ألبانی» روایت خوردن برگ توسط بزغاله را صحیح می‌داند.

همچنین «ابن حزم أندلسی» در کتاب «المحلی» جلد یازدهم صفحه 235 می‌گوید: این روایت صحیح است. او با روایت صحیح نقل می‌کند که عایشه می‌گوید:

«لَقَدْ نَزَلَتْ آيَةُ الرَّجْمِ وَالرِّضَاعَةِ فَكَانَتَا فِي صَحِيفَةٍ تَحْتَ سَرِيرِي فَلَمَّا مَاتَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَشَاعَلْنَا بِمَوْتِهِ فَدَخَلَ دَاخِرٌ فَأَكَلَهَا»

المحلی، اسم المؤلف: علی بن أحمد بن سعید بن حزم الظاهری أبو محمد، دار النشر: دار الآفاق الجديدة - بیروت، تحقیق: لجنة إحياء التراث العربی، ج 11، ص 235، باب حَدُّ الْحُرِّ وَالْحُرَّةِ الْمُحْصَنَيْنِ

این افراد در اولیات مذهب خود گیر کرده‌اند. وهابیت در سند قرآنی که هر روز آن را قرائت می‌کنند گیر کرده‌اند و سند صحیحی برای آن ندارند.

وهابیت ادعا می‌کنند روایاتی که آنها را با سند صحیح نقل می‌کنند، در زمان پیغمبر اکرم جزو قرآن کریم بوده است و ما آنها را می‌خواندیم. بعد از آن در زمان عثمان یا ابوبکر این آیات را جمع کردند، دیگر به آن دسترسی پیدا نکردند و این آیات از بین رفت!!

مجری:

از میان صحابه هم کسی نمی‌دانست؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

هیچکسی از صحابه از این آیات خبر نداشت. با این ترتیب زمانی که این آیات نازل شد، پیغمبر اکرم تنها برای عایشه آن را نقل کردند. عایشه هم این آیات را روی برگ درختی نوشته بود تا بعداً آن را در صحیفه خود بنویسد.

این قضایا دلالت بر این دارد که آقایان هم به تحریف قرآن کریم اعتقاد قاطع دارند و همچنین بر قرآنی که آن را می‌خوانند سند صحیحی هم ندارند. حال آقایان در رابطه با شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ما سند صحیح می‌خواهند!!

ادله مُتَقَن در اثبات شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) با سندهای صحیح

ما نه تنها در رابطه با شهادت حضرت فاطمه زهرا بلکه در رابطه با کتک خوردن حضرت، شکستن پهلوئی حضرت، آتش زدن در خانه حضرت فاطمه زهرا و سقط شدن حضرت محسن سند صحیح داریم.

ما امشب به جهت اینکه این آقایان کمی سر جای خود بنشینند، چند مورد از این روایات را می‌خوانیم. امیدوارم این روایات به گوش این حضرات برسد و قدری رویشان کمتر شود!

«مرحوم کلینی (رضوان الله تعالی علیه)» در کتاب «کافی» جلد اول صفحه 458 روایتی با سه واسطه نقل می‌کند.

راوی اول «محمد بن یحیی» استاد «کلینی» است، «عمرکی بن علی» استاد «محمد بن یحیی» است و «علی بن جعفر» هم فرزند امام صادق و برادر امام کاظم و عموی امام رضا (علیه السلام) است. حضرت می‌فرماید:

«إِنَّ فَاطِمَةَ عِصْمَةٌ شَهِيدَةٌ»

همانا حضرت فاطمه زهرا صديقه و شهیده هستند.

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

ص 458، ج 2

و قرآن کریم هم می‌فرماید:

(وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنٌ أُولَئِكَ رَفِيقًا)

و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز) همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنها تمام کرده، از پیامبران و صدیقان و شهداء و صالحان، و آنها رفیق‌های خوبی هستند.

سوره نساء (4): آیه 69

دقت داشته باشید در این آیه شریفه (الشُّهَدَاءِ) در کنار (الصَّادِقِينَ) آمده است، اما این آقایان ادعا می‌کنند که (الشُّهَدَاءِ) به معنای شاهد است!!

حال اگر این افراد بخواهند این کلمه را به معنای شاهد هم بگیرند، ما حرفی نداریم. اگر این افراد قائل باشند که حضرت فاطمه زهرا شاهد بر اعمال امت هست، خود به ضرر آنهاست. این قضیه واضح و روشن است.

اولاً «مرحوم علامه مجلسی» در کتاب «مرآة العقول» جلد پنجم صفحه 315 در خصوص این روایت می‌گوید:

«الحديث الثاني صحيح»

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح:

رسولی محلاتی، سید هاشم، ج 5، ص 315، ج 2

این یک شهادت، که ایشان معتقد است این روایت صحیح است. همچنین «مرحوم مجلسی اول» در کتاب «روضه المتقین» جلد پنجم صفحه 344 در زیارت حضرت فاطمه زهرا می‌نویسد:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ»

تا جایی که می‌نویسد:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ»

روضه المتقین فی شرح من لا يحضره الفقيه، نویسنده: مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، محقق / مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاوردی علی پناه، ج 5، ص 344، باب زیارة فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا

آیا از این بهتر و واضح‌تر بیان کنیم؟! مهم‌تر از اینها مرحوم آیت الله العظمی خوئی (رضوان الله تعالی علیه) یکی از مراجع عظام تقلید و متخصص در رجال که کتاب «معجم رجال الحديث» اثر ایشان در بیست و یک جلد به چاپ رسیده است، روایتی نقل می‌کند.

همچنین مرحوم آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی یکی از مراجع عظام تقلید در کتاب «صراط النجاة» جلد سوم صفحه 441 می‌نویسد:

«بسنده معتبر عن الكاظم (ع) قال: إن فاطمة (ع) صديقة شهيدة، وهو ظاهر في مظلوميتها وشهادتها»

صراط النجاة (تعليق الميرزا التبريزي)، نویسنده: السيد الخوئي، ج 3، ص 441، س 1264

چهار تن از بزرگان ما نظیر «علامه مجلسی اول»، «علامه مجلسی دوم»، آیت الله العظمی خوئی و آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی شهادت می‌دهند که این روایت صحیح است.

اگر می‌خواهید این روایت را از دیدگاه ما بررسی کنید، «علامه مجلسی» که خود متخصص در علم رجال هستند وقتی در کتاب «مرآة العقول» این روایت را صحیح می‌داند برای ما کافی است. با این حال ما نظر سه تن از بزرگان دیگر را هم اضافه کردیم.

مجری:

درواقع شهادت حضرت فاطمه زهرا از نظر ما یقینی است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

یقینی که هیچ، «مرحوم مجلسی» معتقدند که این قضیه از متواترات است. مشاهده کنید اولین راوی ما «محمد بن یحیی» است.

«نجاشی» متوفای 450 هجری در کتاب «رجال» خود با تحقیق آیت الله العظمی شبیری زنجانی صفحه 353 در خصوص «محمد بن یحیی» می‌نویسد:

« محمد بن یحیی أبو جعفر العطار القمی، شیخ أصحابنا فی زمانه، ثقة، عین، کثیر الحدیث»

ابوجعفر عطار قمی بزرگ شیعه در زمان خود است، ثقة است، شخصیت بزرگی است و کثیر الحدیث است.

فهرست اسماء مصنفی الشیعة (رجال النجاشی)، نویسنده: النجاشی، ص 353، ح 946

از این بهتر می‌خواهید توثیق داشته باشید؟! همچنین آیت الله العظمی خوئی در کتاب «معجم رجال الحدیث» جلد نوزدهم همین تعبیر را از «نجاشی» و «شیخ طوسی» و بزرگان دیگر نقل می‌کند.

راوی دوم «عمرکی بن علی» هست. باز هم در کتاب «رجال نجاشی» صفحه 303 حدیث 828 نسبت به ایشان می‌نویسد:

«شیخ من أصحابنا، ثقة»

فهرست اسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشی)، نویسنده: النجاشی، ص 303، ح 828

از این واضح‌تر بیان کنیم؟! راوی سوم «علی بن جعفر» است که شیعه و سنی همگی اعتقاد بر وثاقت آن بزرگوار دارند. «مرحوم شیخ طوسی» در کتاب «الفهرست» صفحه 151 حدیث 4 می‌نویسد:

«علی بن جعفر، أخو موسى بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی بن أبي طالب عليهم السلام، جليل القدر، ثقة»

الفهرست، نویسنده: الشيخ الطوسي، وفات: 460؛ تحقیق: الشيخ جواد القیومی، چاپ: الأولى، 1417،
مؤسسة النشر الإسلامي، ناشر: مؤسسة نشر الفقهة، ص 151، ح 4

بنابراین این روایت سندا صحیح است و همچنین چهار تن از فقها و بزرگان ما شهادت به صحت روایت دادند که:

«إِنَّ فَاطِمَةَ عَ صِدِّيقَةَ شَهِيدَةَ»

ما به کارشناسان وهابی توصیه می‌کنیم موبایل‌هایی که می‌خواهید جایزه بدهید، برای امواتتان خیرات کنید که نمی‌دانیم در برزخ چه حالی دارند. حداقل در حق آنها صدقه بدهید تا اگر در عذاب هستند، قدری از عذابشان کاسته شود!!

مجری:

یا بروید این کتاب‌ها را بخريد و خودتان نگاه کنید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، فرمایش زیبایی بیان کردید. این موبایل‌ها را بدهید، این کتاب‌ها را بخرید و نگاه کنید ببینید ما راست می‌گوییم یا خیر.

روایت دوم از قول «مرحوم کراچکی» است که از علما و فقهای بزرگ شیعه است. ایشان کتابی به نام «کنز الفوائد» دارند که در جلد اول صفحه 149 و 150 روایتی از قول رسول گرامی اسلام نقل می‌کند که حضرت به صراحت می‌فرماید:

«قَالَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ص مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ يَظْلِمُ بَعْدِي فَاطِمَةَ ابْنَتِي وَ يَعْصِبُهَا حَقَّهَا وَ يَفْتُلُهَا»

کنز الفوائد، نویسنده: کراچکی، محمد بن علی، محقق / مصحح: نعمة، عبد الله، ناشر: دارالذخائر، قم، 1410هـ؛ ج 1، ص 150، باب شرح قوله و لعن آخر أمتكم أولها فصل

نظیر این روایت در کتاب «صحیح بخاری» نقل شده است، آنجا که می‌نویسد:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْصَبَهَا أَعْصَبَنِي»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 3، ص 1361، ح 3510

ما این روایت را بارها گفتیم و آدرس آن را به قدری بیان کردیم که کودکان هم سند آن را حفظ کرده‌اند. همچنین در کتاب «صحیح مسلم» آمده است:

«قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إنما فاطمة بضعة مني يؤذيني ما آذاها»

صحیح مسلم، المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1902، ح 94

بازهم در کتاب «صحيح بخارى» جلد چهارم صفحه 42 حديث 3093 و جلد پنجم صفحه 85 حديث 4240 به صراحت مى‌نويسد كه غضب حضرت فاطمه زهرا غضب من پيغمبر اكرم است و غضب من غضب خداوند است. در منبع ديگر آمده است:

«إن الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك»

المستدرک على الصحيحين، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابورى، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 3، ص 167، ح 4730

«حاکم نیشابوری» می‌گوید روایت صحیح است. همچنین حدود دوازده تن از بزرگان اهل سنت صحت این روایت را تصریح کرده‌اند.

«مرحوم کراچکی» هم در این روایت از قول رسول گرامی اسلام نقل می‌کند که مورد غضب خداوند قرار می‌گیرد کسی که در حق فاطمه ظلم کند و او را بکشد!

مجری:

خیلی ممنون و متشکرم. درواقع ما از هر راه و منظری بخواهیم نگاه کنیم، این روایات حداقل از کتب شیعه بررسی کردیم. حضرت استاد هم فرمودند که این قضیه بین شیعیان جزو متواترات است.

حال ان شاءالله میان برنامه‌ای می‌بینیم، برمی‌گردیم و احادیث را بیشتر بررسی خواهیم کرد.

مجدداً شهادت حضرت صدیقه شهیده زهراى مرضیه (سلام الله علیها) را تسلیت عرض می‌کنیم.

حاج آقا حسینی قزوینی عزیز توضیح جامع و کامل دادند. آخرین کتابی که استاد بررسی کردند، کتاب «کنز الفوائد» بود که از آنجا حدیثی مطرح کردند.

حاج آقا سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا اصلاً این روایت صحیح هست یا خیر. روایت را بررسی سندی بفرمایید که دیگر جای شک و شبهه‌ای نباشد.

بررسی سند روایت «کنز الفوائد» در شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

راویان این روایت که از کتاب «کنز الفوائد» نقل کردیم، به شرح ذیل است:

«حَدَّثَنَا بِهِ الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو الْحَسَنِ بْنُ شَادَانَ رَجِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ الْوَلِيدِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا الصَّفَّارُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ»

ما تک تک این راویان را بررسی می‌کنیم. «مرحوم کراچکی» یکی از فقهای بزرگ شیعه است. مرحوم آیت الله العظمی خوئی در کتاب «معجم رجال الحدیث» جلد هفدهم صفحه 357 نسبت به ایشان می‌نویسد:

«القاضی أبو الفتح محمد بن علی بن عثمان الكراچکی: له كتاب أخبار الآحاد»

سپس می‌نویسد:

«وقال الشيخ منتجب الدين: محمد بن علی الكراچکی: فقیه الأصحاب»

طبق این روایت ایشان فقیه شیعیان بوده است. همچنین در ادامه می‌نویسد که «مرحوم شیخ حر عاملی» نسبت به ایشان می‌گوید:

«الشیخ أبو الفتح، محمد ابن علی بن عثمان الكراچکی: عالم، فاضل، متکلم، فقیه، محدث، ثقة، جلیل

القدر»

معجم رجال الحديث، نویسنده: السيد الخوئی، ج 17، ص 358، ح 11342

این خصوصیات صاحب کتاب است. حال به سراغ راوی اول «ابن شاذان» می‌رویم. آیت الله العظمی خوئی در کتاب «معجم رجال الحديث» جلد شانزدهم وقتی وثاقت ایشان را بررسی می‌کند، می‌نویسد:

«هو ثقة، لا لما ذكره، بل لأنه شيخ النجاشي، وقد عرفت أن مشايخه كلهم ثقات»

ایشان ثقة است، همانطور که نجاشی گفته است تمام اساتید من بر وثاقت ایشان شهادت می‌دهند.

معجم رجال الحديث، نویسنده: السيد الخوئی، ج 16، ص 17، ح 10149

یکی از اساتید «نجاشی»، «ابوالحسن بن شاذان» است و همچنین پدرشان «احمد بن علی بن حسن بن شاذان» است. کتاب «رجال نجاشی» وقتی به ایشان می‌رسد، می‌نویسد:

«أحمد بن علی بن الحسن بن شاذان أبو العباس الفامی القمی شیخنا الفقیه، حسن المعرفة»

رجال النجاشي؛ نویسنده: نجاشی، احمد بن علی؛ تاریخ وفات مؤلف: 450 ق، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه، مکان چاپ: قم، سال چاپ: 1365 ش، نوبت چاپ: ششم، ص 84، ح 204

قول «نجاشی» نسبت به ایشان این است که ایشان جزو شیوخ و اساتید و فقهای ماست. راوی بعد «محمد حسن صفار» صاحب کتاب «بصائر الدرجات» است. «نجاشی» در خصوص ایشان می‌گوید:

«كان وجهها في أصحابنا القميين، ثقة، عظيم القدر»

رجال النجاشي؛ نویسنده: نجاشی، احمد بن علی؛ تاریخ وفات مؤلف: 450 ق، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه، مکان چاپ: قم، سال چاپ: 1365 ش، نوبت چاپ: ششم، ص 354، ح 948

از این واضح‌تر و روشن‌تر بیان کنیم؟! راوی بعد «ابن ابی عمیر» است که در خصوص ایشان آمده است:

«جليل القدر عظيم المنزلة فينا وعند المخالفين»

او جليل القدر و دارای منزلت بزرگ نزد ما شیعیان و مخالفین ماست.

رجال النجاشي؛ نویسنده: نجاشي، احمد بن علی؛ تاریخ وفات مؤلف: 450 ق، ناشر: مؤسسة النشر

الاسلامي التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه، مکان چاپ: قم، سال چاپ: 1365 ش، نوبت چاپ:

ششم، ص 326، ح 887

طبق قول «نجاشی» شیعیان و اهل سنت همگی ایشان را قبول دارند. او یکی از اصحاب خاص امام رضا و امام جواد (علیهم السلام) بوده و در سال 217 هجری از دنیا رفته است.

وهابی‌ها عقلشان به این مسائل قد نمی‌دهد، اما گاهی اوقات ممکن است ملاً لغتی‌هایی پیدا شود و ادعا کنند که «صفار» متوفای 290 هجری است، اما ایشان متوفای 217 هجری است.

ما به تعبیر «مرحوم شهید صدر» تعویض سند می‌کنیم. یکی از راهکارهای توثیق و تصحیح روایت، تعویض سند است. ما باید ببینیم که طریق این شخص به کتاب‌هایش چه بوده است، بعد از آن طریق را پیدا می‌کنیم و سند را تصحیح می‌کنیم.

ما شرح حال «ابن ابی عمیر» را در کتاب «فهرست» اثر «شیخ طوسی» بررسی می‌کنیم. عرض کردم این آقایان از این مسائل سر در نمی‌آورند و تنها کسانی که اهل فن هستند می‌دانند که بنده چه می‌گویم.

«و أخبرنا بها ابن أبي جيد، عن ابن الوليد، عن الصقار، عن يعقوب بن يزيد و محمد بن الحسين و

ايوب بن نوح و إبراهيم بن هاشم و محمد بن عيسى بن عبید، عن محمد بن أبي عمير»

فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول، نویسنده: طوسی، محمد بن

الحسن، محقق / مصحح: طباطبائی، عبدالعزیز، ص 405، باب [618] محمّد بن أبی عمیر

بنابراین مشخص شد که واسطه بین «صفار» و «ابن ابی عمیر» همگی بلا استثناء ثقة هستند. اگر این افراد از معمرین باشد ضرری نمی‌زند، زیرا ما از میان صحابه راویانی داشتیم که حدود صد و سیزده سال عمر کرده بودند.

اگر ایشان از معمرین باشد، سال‌های بین سال 217 تا 290 هجری فاصله چندانی نیست. «ابن ابی عمیر» از نظر ذهنی در مرحله‌ای بوده است که شاید بگوییم قبل از ده یا دوازده سالگی کاملاً به مبانی فقهی شیعه مسلط بوده است.

بر فرض ایشان معمر هم نباشد، واسطه ایشان همه جا مشخص است. علاوه بر این «ابن ابی عمیر» یکی از کسانی است که تمام فقه‌های ما نسبت به ایشان بر این عقیده هستند «لا یروی و لا یرسل إلا عن ثقة».

تمام فقه‌های ما بر این عقیده هستند که «ابن ابی عمیر» و «بزنطی» و «صفوان» از مشایخ الثقات هستند و روایت مرسل و مسندشان همگی ثقة است. البته این قضیه را آقایان اهل سنت هم قبول دارند. تعدادی از بزرگان اهل سنت می‌گویند:

«لا یروون و لا یرسلون إلا عن یوثق به»

ما هم به این قاعده اعتقاد داریم. «مرحوم شیخ طوسی» در کتاب «العدة فی أصول الفقه» جلد اول صفحه 154 می‌گوید:

«ولأجل ذلك سوت الطائفة بین ما یرویه محمد بن أبی عمیر، و صفوان بن یحیی، وأحمد بن محمد بن

أبی نصر و غیرهم من الثقات الذین عرفوا بأنهم لا یروون و لا یرسلون إلا عن یوثق به»

طایفه و علمای بزرگ شیعه برابر دانسته‌اند آنچه که محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی روایاتشان چه مرسل باشد و چه مسند باشد، غیر از ثقه نقل نمی‌کنند.

العدة في أصول الفقه (عدة الأصول) (ط. ق)، نویسنده: الشيخ الطوسي، وفات: 460، تحقیق: محمد مهدي نجف، چاپخانه: مؤسسة آل البيت (ع) للطباعة والنشر، ناشر: مؤسسة آل البيت (ع) للطباعة والنشر، ج 1، ص 154، فصل 5

طبق این نظریه وقتی سند روایت به این سه نفر رسید، دیگر ما نیازی به بررسی سندی نداریم. همین قاعده در میان علمای اهل سنت هم وجود دارد، اما ما به این هم اکتفا نمی‌کنیم.

راوی بعد «مفضل بن عمر» صاحب کتاب «توحید» است. «مرحوم شیخ مفید» در کتاب «الإرشاد» می‌نویسد:

«فَمِمَّنْ رَوَى صَرِيحَ النَّصِّ بِالْإِمَامَةِ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع عَلَى ابْنِهِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع مِنْ شُيُوخِ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ بَطَانَتِهِ وَ ثِقَاتِهِ الْفُقَهَاءِ الصَّالِحِينَ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ الْجُعْفِيُّ»

از میان کسانی که از امام صادق نصی بر امامت امام کاظم آورده‌اند، یکی از کسانی که از صحابی خاص و محرم اسرار امام صادق و از کسانی که ثقه و فقیه و صالح هست مفضل بن عمر هست.

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج 2، ص 216، فصل في النص على إمامة الكاظم ع

«مرحوم شیخ مفید» شهادت می‌دهد که ایشان یکی از اصحاب خاص امام صادق بوده است، صاحب سز امام صادق و مورد وثوق امام صادق بوده است. از این بهتر و واضح‌تر بیان کنیم؟!

راوی بعد «یونس بن یعقوب» است. اگر به «رجال نجاشی» مراجعه کنید، می‌بینید که در خصوص ایشان می‌نویسد:

«فتولی أمره وکان حظیا عندهم، موثقاً»

فهرست اسماء مصنفی الشیعة، نویسنده: النجاشی، ص 446، ح 1207

این‌ها راویانی هستند که «مرحوم کراچی» روایت را از آنها نقل کرده است. سند روایت بلاشک صحیح است.

بررسی وثاقت «سلیم بن قیس» و روایت دال بر شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

از این گذشته ما می‌بینیم که در کتاب «سلیم بن قیس هلالی» در چند جا واژه «قاتل» و «قتل» و «یقتل» آمده است. در روایت آمده است که رسول گرامی اسلام فرمود:

«إِنَّكَ أَوْلُ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي»

اولین کسی از اهل‌بیتم که به من ملحق می‌شود، تو هستی.

«وَ أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»

و تو سرور زنان اهل بهشت هستی.

«وَ سَتَّرِينَ بَعْدِي ظُلْمًا وَ غَيْظًا حَتَّى تُضْرَبِي وَ يَكْسَرَ ضِلْعٌ مِنْ أَضْلَاعِي»

و بعد از من ظلم و خشمی خواهی دید به طوری که تو را می‌زنند و پهلوئی تو را می‌شکنند.

«لَعْنُ اللَّهِ قَاتِلَكَ»

خداوند قاتل تو را مورد غضب قرار بدهد.

کتاب سلیم بن قیس الہلالی، نویسنده: ہلالی، سلیم بن قیس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی
خوئینی، محمد، ج 2، ص 907، باب الحدیث الحادی و الستون

مشخص است کہ حضرت فاطمہ زہرا بہ مرگ طبیعی از دنیا نرفتہ است، بلکہ حضرت را کشتند!! حال فعلاً
موضوع بحث ما این نیست کہ بگوییم چہ کسانی حضرت را کشتہ است. آقایان خودشان پیدا کنند.
اصل، قضیہ شہادت حضرت فاطمہ زہراست. در رابطہ با کتاب «سلیم بن قیس» ما قبلاً ہم گفتیم «مرحوم
نعمانی» صاحب کتاب «الغیبة» در کتاب خود می‌نویسد:

«أن کتاب سلیم بن قیس الہلالی أصل من أكبر كتب الأصول آلتی رواها أهل العلم»

سپس می‌نویسد:

«و هو من الأصول آلتی ترجع الشیعة إلیها و یعول علیها»

این کتاب یکی از کتب اصولی شیعه است کہ شیعه بہ او مراجعہ می‌کند و اعتماد دارد.

الغیبة للنعمانی، نویسنده: ابن اَبی زینب، محمد بن ابراهیم، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص
101، ج 30

«مرحوم سید بن طاووس» در کتاب «تحریر طاووسی» می‌گوید:

«تضمن الكتاب ما یشهد بشکره وصحة کتابه»

التحریر الطاووسی؛ نویسنده: حسن بن زین الدین العاملی، وفات: 1011، تحقیق: فاضل الجواهری،
چاپ: الأولى، سال چاپ: 1411، چاپخانه: سید الشهداء (ع) - قم، ناشر: مکتبہ آیة الله العظمی
المرعشی النجفی - قم المقدسة، ص 253، شماره 180

«مرحوم مجلسی اول» می‌گوید: کتاب صحیح است. «مرحوم مجلسی دوم» می‌گوید: کتاب صحیح است.
«شیخ حر عاملی» می‌گوید: کتاب «سلیم بن قیس» مورد اعتماد است. «میر حامد حسین» می‌گوید: روایات
کتاب صحیح و مورد اعتماد است.

«مرحوم مامقانی» می‌گوید: کتاب صحیح است. «مرحوم تستری» می‌گوید: کتاب صحیح است. همچنین آیت
الله العظمی خوئی در کتاب «معجم رجال الحدیث» جلد 9 صفحه 230 می‌گوید: کتاب مورد اعتماد است.
حال بعضی افراد ادعا می‌کنند کتاب «سلیم بن قیس» چنین و چنان است. این حرف‌ها، حرف‌های مفتی است
که پشتوانه علمی ندارد و دلیل بر بی‌سوادی این افراد است.

وقتی بزرگان علم رجال این کتاب را توثیق کردند و می‌گویند که این کتاب صحیح است و از آن دسته کتبی
است که شیعه در طول تاریخ به او اعتماد داشته است، اگر کسی در گوشه و کناری این کتاب را زیر سؤال ببرد
برای حرف او ارزش قائل نیستیم.

«سلیم بن قیس» هم شخصیتی است که آیت الله العظمی خوئی بعد از بحث و بررسی از قول «نجاشی» نقل
می‌کند و می‌نویسد:

«من سلفنا الصالح فی الطبقة الأولى»

ایشان همچنین می‌فرماید:

«أن سلیم بن قیس - فی نفسه - ثقة جلیل القدر عظیم الشأن»

معجم رجال الحدیث، نویسنده: السید الخوئی، ج 9، ص 226 - 230، ح 5401

از این بهتر بیان کنیم؟! بنابراین روایتی که «سلیم بن قیس» آورد هم برای ما یک صحیح است. «سلیم بن
قیس» در جای دیگر روایتی دارد که می‌گوید:

«لَمَّا أَنْ قُبِضَ النَّبِيُّ ص وَ صَنَّعَ النَّاسُ مَا صَنَعُوا»

سپس می‌نویسد بعد از رحلت پیغمبر اکرم مردم کارهایی انجام می‌دهند تا جایی که در خانه حضرت فاطمه زهرا را می‌شکنند و پهلوئی حضرت شکسته می‌شود و جنین حضرت فاطمه زهرا سقط می‌شود. در ادامه به صراحت می‌نویسد:

«فَأَلْقَتْ جَنِينًا مِنْ بَطْنِهَا فَلَمْ تَزَلْ صَاحِبَةً فِرَاشٍ حَتَّى مَاتَتْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا مِنْ ذَلِكَ شَهِيدَةً»

کتاب سلیم بن قیس الهلالی، نویسنده: هلالی، سلیم بن قیس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی
خوئینی، محمد، ناشر: الهادی، قم، 1405ق؛ ج 2، ص 588

طبق این روایت حضرت فاطمه زهرا با شهادت از دنیا می‌رود. حال بعضی افراد ادعا می‌کنند که «مَاتَتْ» به معنای «وفات» است و با «شهادت» منافات دارد. این افراد می‌فهمند!؟

معنای عوامانه «موت» و «وفات» انتقال از این دنیا به دنیای دیگر است، خواه به مرگ طبیعی باشد خواه با تصادف باشد خواه با سگته باشد خواه با شهادت باشد. در این روایت آمده است:

«حَتَّى مَاتَتْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا مِنْ ذَلِكَ شَهِيدَةً»

حضرت فاطمه زهرا از دنیا رفت در حالی که شهید بود.

«مرحوم مجلسی» در این روایت کلمه «شَهِيدَةً» را قید می‌کند که بر شهادت تصریح دارد. همچنین مرحوم آیت الله العظمی خوئی در کتاب «معجم رجال الحدیث» خود نسبت به کتاب «کامل الزیارة» اثر «ابن قولویه» می‌گوید: طبق شهادت «ابن قولویه» در اول کتاب خود، تمام راویان این کتاب ثقه هستند.

این بدان معناست که روایتی که در کتاب «کامل الزیارة» و «تفسیر علی بن ابراهیم» آمد، از دیدگاه بزرگان ما نظیر آیت الله العظمی خوئی روایت صحیح است. «ابن قولویه» در این کتاب هم بحث را مطرح می‌کند و می‌نویسد:

«و قَاتِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ وَ قَاتِلِ فَاطِمَةَ وَ مُحَسِّنٍ وَ قَاتِلِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَ»

کامل الزیارات، نویسنده: ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ص 327،

ح 2

در اینجا هم کلمه «قتل» و «شهادت» آمده است. همچنین «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «أمالی» همین بحث را مطرح می‌کند و قضیه شکسته شدن پهلوی حضرت و غصب حقوق آن بزرگوار را مطرح می‌کند و می‌نویسد:

«فَتَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُلْحِقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَتَقْدَمُ عَلَيَّ مَخْرُوبَةً مَكْرُوبَةً مَغْمُومَةً مَغْضُوبَةً مَقْتُولَةً»

الأمالی، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص 113، ح 2

طبق این روایت رسول گرامی اسلام می‌فرماید: حضرت فاطمه زهرا نزد من خواهد آمد در حالی که او را شهید کردند.

من نمی‌دانم با چه زبانی با این آقایان صحبت کنیم. ما به این آقایان می‌گوییم که شما یک سند از ما خواسته بودید، در حالی که ما چندین سند صحیح و معتبر از دیدگاه خودمان برایتان آوردیم.

اگر شما مبنای ما را می‌خواهید، این مبنای ماست. همچنین اگر مبنای خودتان را می‌خواهید ما کاری با شما نداریم. حرف شما که برای ما حجت نیست!

«ابن حزم أندلسی» می‌گوید: اگر ما بخواهیم به شیعه احتجاج کنیم نباید به کتاب‌های خودمان احتجاج کنیم، زیرا شیعه کتاب‌های ما را قبول ندارد. اگر شیعه هم بخواهد به ما به کتاب‌های خودشان احتجاج کند درست نیست، زیرا ما کتب آنها را قبول نداریم.

هر مذهبی برای خودش مبنای و حدیثی دارد و بر مبنای حدیثی خود مطالبی را مطرح می‌کند. اگر مبنای فقها و بزرگان ما را می‌خواهید، بزرگان ما همگی شهادت دادند که حضرت فاطمه زهرا شهید شده است.

شما یک سند خواستید، اما ما در عوض آن شش یا هفت سند صحیح از منابع خودمان برای شما ارائه دادیم. از میان کتب اهل سنت هم در کتاب «فرائد السمطین» اثر «جوینی» جلد دوم صفحه 34 هم کلمه «مقتولة» آمده است. اگر سؤال خاصی هست من در خدمت شما هستم.

مجری:

خیلی ممنون و متشکریم. بینندگان عزیز توجه داشتند که حضرت استاد هر مطلبی از هر کتابی مطرح کردند، اولاً نویسنده کتاب را بررسی سندی کردند تا معلوم شود این شخص ثقه هست یا خیر. همچنین غیر از آن تک تک روایات را بررسی سندی کردند.

فکر نمی‌کنم دیگر جای شک و شبهه‌ای باشد. کسانی که واقعاً به دنبال حقیقت هستند، ان شاء الله قانع شده باشند. میان برنامه می‌بینیم و برمی‌گردیم سؤال بعد را مطرح می‌کنیم.

خیلی ممنون از اینکه با ما همراه هستید. ویژه برنامه شهادت حضرت فاطمه زهرا با عنوان «صدیقه شهیده» را مشاهده می‌فرمایید.

بنده که در اینجا نشستم، تک تک روایاتی که حضرت استاد بیان می‌فرمایند را یادداشت می‌کنم. اگر برای شما بینندگان هم امکان دارد این روایات را یادداشت کنید تا اگر کسی سؤال یا انتقادی داشت حتماً این پاسخ‌ها را به آنها بدهید.

همچنین اگر مایل بودید، می‌توانید بازپخش برنامه را از طریق سایت «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» مشاهده کنید.

حاج آقا بنده می‌خواستم سؤالی مطرح کنم، اما شما قبل از پرسیدن، پاسخ آن را بیان کردید. بنده می‌خواستم بپرسم که چرا نحوه شهادت حضرت فاطمه زهرا در کتب شیعه مطرح نشده است. شما با این روایات و الفاظ «مقتولة» پاسخ این سؤال را مطرح کردید.

حال می‌خواهیم ببینیم چرا کیفیت شهادت حضرت فاطمه زهرا در کتب اهل سنت به صورت مبسوط نیامده است؟!

این در حالی است که علمای اهل سنت همگی تاریخ نویس بودند و این وقایع را نوشتند. چرا این وقایع در کتب اهل سنت به صورت مبسوط و مفصل بیان نشده است؟!

چرا علمای اهل سنت از ذکر چگونگی شهادت حضرت زهرا خودداری کردند!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما قبلاً هم مطرح کردیم که ماجرای هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا به صورت مفصل در کتب اهل سنت مطرح شده است، اما ما فعلاً به دنبال آن نیستیم.

آقایان می‌بینند قضیه درگیری صحابه با یکدیگر در کتاب‌ها نقل شده است. از یک طرف حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین و «زبیر» هست. در طرف مقابل ابوبکر و عمر بن خطاب و «خالد» و «عمرو عاص» هستند.

اهل سنت معتقدند هرچه شریعت از به ما رسیده، از صحابه رسیده است. اگر علمای اهل سنت این مباحث را مطرح کنند، دیگر اعتمادی برای روایات آنها باقی نمی‌ماند.

عزیزان دقت کنند نکته‌ای که می‌گویم را یادداشت کنند، زیرا در بسیاری از موارد به دردشان می‌خورد. در مناظرات با اهل سنت به جهت اینکه زبانشان کوتاه شود و اینقدر تحدی نکنند و حرف‌های بی‌هوده نزنند، مطلبی از کتاب «سیر أعلام النبلاء» می‌آوریم.

در کتاب «سیر أعلام النبلاء» اثر «ذهبی» که یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت است، جلد دهم آمده است:

«كما تقرر عن الكف عن كثير مما شجر بين الصحابة وقتالهم رضی الله عنهم أجمعين»

در میان ما مقرر شده است که آنچه از اختلاف بین صحابه مطرح شده است را کنار بگذاریم.

«ذهبی» در ادامه می‌نویسد:

«وهذا فيما بأيدينا وبين علمائنا فينبغي طيه وإخفاؤه بل إعدامه لتصفو القلوب»

امروزه باید آنچه از درگیری بین صحابه در دست ما و علمای ما هست را کنار بیندازیم و از مردم مخفی کنیم یا آنها را نابود کنیم تا قلب‌ها پاک شود.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر:

مؤسسة الرسالة - بيروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسی،

ج 10، ص 92، باب الامام الشافعی (خت 4)

یکی از موارد درگیری بین صحابه ماجرای آتش زدن خانه حضرت فاطمه زهرا و شکسته شدن پهلوی حضرت و شهادت آن بزرگوار است. این قضیه یکی از بارزترین این درگیری‌هاست.

ایشان می‌نویسد: شایسته است این موارد را مخفی کنیم، از بین ببریم و نابود کنیم تا به دست مردم نرسد. علمای اهل سنت با تمام توان روایاتی که مربوط به درگیری صحابه هست را از بین بردند.

مجری:

درواقع تاریخ را تحریف کردند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. همین تعبیر را آقای «ابن حجر هیثمی» در کتاب «تطهیر الجنان» نقل می‌کند و به طور مفصل می‌نویسد:

«صرح أئمتنا وغيرهم في الأصول بأنه يجب الإمساك عما شجر بين الصحابة»

علمای ما تصریح کرده اند که واجب است از نقل درگیری که بین صحابه بوده خودداری کنیم.

تطهیر الجنان واللسان عن الخوض والتفوه بثلب معاوية بن أبي سفيان؛ المؤلف: أحمد بن محمد بن

علي بن حجر الهيتمي السعدي الأنصاري، شهاب الدين شيخ الإسلام، أبو العباس (المتوفى: 974 هـ)،

تحقیق: الدكتور جميل عبد الله عويضة، تاريخ النشر: 1430 هـ/ 2009 م؛ ص 51

همچنین آقای «عینی» در کتاب «عمدة القاری» جلد اول صفحه 212 می‌گوید:

«والحق الذي عليه أهل السنة الإمساك عما شجر بين الصحابة، وحسن الظن بهم»

حقیقتی که اهل سنت بر آن هستند این است که از نقل درگیری میان صحابه خودداری کنیم و تنها

روابط حسنه آنها را نقل کنیم.

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار

إحياء التراث العربی - بیروت، ج 1، ص 212، ح 31

«ابن تیمیه» هم از قافله عقب نمانده و در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد چهارم صفحه 434 می‌گوید:

«وَإِنْ كَانَ الْمُخْتَارُ الْإِمْسَاكَ عَمَّا شَجَرَ بَيْنَ الصَّحَابَةِ وَالْإِسْتِعْفَارَ لِلطَّائِفَتَيْنِ جَمِيعاً وَمُؤَالَاتَهُمْ»

مجموعه الفتاوی، نویسنده: ابن تیمیه، وفات: 728، رده: مصادر عقائد سنی، خطی: خیر، چاپ: طبعة

الشیخ عبد الرحمن بن قاسم، ج 4، ص 434، باب وَسُئِلَ: - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَمَّا شَجَرَ بَيْنَ الصَّحَابَةِ: عَلِي

وَمُعَاوِبَةَ وَطَلْحَةَ وَعَائِشَةَ - هَلْ يَطَالُبُونَ بِهِ أَمْ لَا؟

طبق نظر ایشان ما نباید حرفی از درگیری بین صحابه در صدر اسلام بزنیم. ما باید این مسائل را مخفی کنیم،

از بین ببریم، نابود کنیم، در دریا بریزیم و از کتب خود حذف کنیم.

بنابراین می‌بینیم در تعدادی از کتاب‌ها عبارت‌هایی که در یک کتاب آمده است، در جای دیگر نیامده و به جای

آن نقطه یا «کذا و کذا» گذاشته‌اند.

با این مبنا من از این آقایان سؤال می‌پرسم. ما ماجرای حضرت فاطمه زهرا را کنار می‌گذاریم، اما جنگ جمل

که یکی از بارزترین درگیری‌ها میان صحابه است.

مجری:

این جنگ یکی از یقینیات است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، از یقینیات است و هیچ شک و شبهه‌ای نیست. آقای «ابن تیمیه» و «ذهبی» ما این جنگ را چطور تعریف

کنیم؟!

بنده دیشب در جلسه‌ای گفتم: ما باید به مردم چه بگوییم؟! حتماً باید بگوییم که امیرالمؤمنین با جماعتی در منطقه جمل آمدند، در حالی که «طلحه» و «زبیر» با همدیگر فوتبال بازی می‌کردند. توپ قدری سفت بود و در این بازی سی هزار نفر کشته شدند!!

اگر بخواهیم سی هزار نفری که در جنگ جمل کشته و نابود شدند را توجیه و امساک کنیم، باید چه چیزی بگوییم؟! همچنین جنگ صفین هجده ماه طول کشید. ما در این خصوص باید چه چیزی بگوییم؟!

حتماً باید بگوییم که امیرالمؤمنین با تعدادی از صحابه آمده بودند و معاویه هم با تعدادی از صحابه آمده بودند و با همدیگر مسابقه اسب سواری انجام می‌دادند. اسب طرف مقابل را بر زمین می‌زد و کشته می‌شد، در نتیجه صد و ده هزار نفر از طرفین کشته شدند!! آیا باید این مسائل را بیان کنیم؟!

از این موارد هم که بگذریم، آیه قرآن کریم به صراحت در خصوص یکی از صحابه می‌فرماید:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُضْحِكُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد در باره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید.

سوره حجرات (49): آیه 6

کلمه **(فاسِقٌ)** را چکار کنیم؟! آیا نستجیر بالله باید بگوییم که جبرئیل اشتباه کرده و کلمه **(فاسِقٌ)** را نسبت به صحابه به کار برده است؟! آیا باید بگوییم نبی گرامی اسلام اشتباه کرده‌اند و **(فاسِقٌ)** گفته‌اند یا نستجیر بالله از دست خداوند در رفته است!!

شاید «ان جاءکم صالحٌ» بوده است، اما افرادی که در زمان ابوبکر قرآن را جمع آوری کردند اشتباهی **(إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ)** به کار برده‌اند! ما با آیات قرآن چکار کنیم؟! ما آیه شریفه:

(فَأَعْتَبْهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ)

این عمل (روح) نفاق را در دل‌هایشان تا روزی که خدا را ملاقات کنند.

سوره توبه (9): آیه 77

که در رابطه با «ثعلبه» مطرح شده است را چکار کنیم؟! آیا باید بگوییم (نِفَاقًا) در اینجا به معنای تقوا و ورع است؟!

شاید (نِفَاقًا) در اینجا اشتباهی نوشته شده است. جبرئیل حواسش جمع نبوده و عجله داشت یک مرتبه کلمه‌ای را تغییر داده است!! همچنین سوره جمعه به وضوح می‌فرماید:

(وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوا قَائِمًا قُلُوبَهُمْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الْآلِهَةِ وَ مِنَ التِّجَارَةِ)

هنگامی که تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند، و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند، بگو آنچه نزد خدا است بهتر از لهو و تجارت است.

سوره جمعه (62): آیه 11

پیغمبر اکرم مشغول خطبه نماز جمعه بودند که بیرون مسجد قافله‌ای آمده بود و مال التجاره آورده بود. صحابه، پیغمبر اکرم را در مسجد تنها گذاشتند و جز ده الی دوازده نفر همگی از مسجد بیرون آمدند.

بنده به یکی از علمای بزرگوار گفتم: وقتی مشغول خواندن خطبه نماز جمعه هستید در حالی که بیرون مسجد تصادف یا اتفاقی بیفتد و مردم شما را بالای منبر تنها بگذارند و بیرون بروند، شما چه کلمه‌ای برای این مردم استعمال می‌کنید؟!

شاید بهتر است این آیه را هم توجیه کنیم و بگوییم که پیغمبر اکرم هم قبل از صحابه رفته بودند. (تَرَكُوا)

قَائِمًا) نیست، بلکه رسول الله هم «انفضوا إليه قبلهم». حرف بزنی که مرغ پخته به شما نخندد!!

«[مما شجر بين الصحابة](#)» در حرف زدن راحت است، اما آنچنان خودتان را در بن بست قرار می‌دهید که نمی‌توانید از آن بیرون بیایید. چندین آیه‌ای که در مذمت صحابه است و همگان هم به آن اعتراف دارند را می‌خواهید چکار کنید؟!

آیا این آیات را هم می‌خواهید از بین ببرید و نابود کنید؟! در این صورت باید قرآنی بنویسید و در آن تمام آیاتی که در مذمت صحابه هست را حذف کنید و بگویید که در زمان جناب ابوبکر که قرآن کریم را جمع کردند، اشتباه شده و نباید در قرآن می‌آوردند.

شما قرآن جدیدی بیاورید تا ما ببینیم که حاضرید این آیات را از آن حذف کنید یا خیر. ماجرای جنگ صفین و جنگ و جنگ نهروان همگی بین صحابه بوده و میان یهود و نصاری با مسلمین نبوده. طرفین این جنگ‌ها همگی از اصحاب پیغمبر اکرم بودند.

ما باید این جنگ‌ها را چطور توجیه کنیم؟! معنای «[يجب الإمساك](#)» چیست؟! شما به ما یاد بدهید یا در شبکه‌هایتان توجیه کنید تا ببینیم انگیزه سی هزار کشته جنگ جمل یا صد و ده هزار کشته جنگ صفین یا چهار هزار کشته جنگ نهروان چه بوده است؟!

باید معلوم شود چطور شد که این تعداد از صحابه کشته شدند. چه عواملی دست به دست هم داد تا این خون‌های بی‌گناه بر زمین ریخته شود؟!

شما جنگ جمل را بر گردن «عبدالله سبأ» انداختید، در حالی که شخصیت او واقعیت ندارد. با این حساب صحابه نستجیر بالله به قدری بی‌عرضه بودند که یک یهودی زاده باعث ایجاد اختلاف شد به طوری که سی هزار کشته بر جای گذاشتند.

این توهین به صحابه است! همچنین فعل صحابه‌ای که عثمان را کشتند، چطور توجیه کنیم؟! طبق روایت «وَإِنْ كَانَ الْمُخْتَارُ الْأَمْسَاكَ عَمَّا شَجَرَ بَيْنَ الصَّحَابَةِ» آیا عثمان را یهودیان و مسیحی‌ها و منافقین کشتند یا صحابه او را کشتند؟!

بر فرض یهودیان او را کشتند. چرا صحابه‌ای که در مدینه بودند، از او دفاع نکردند؟! شما به ما یاد بدهید که ما چطور وقایع صدر اسلام را با توجه به قانون «يجب الإمساك عما شجر بين الصحابة» توجیه کنیم؟! با این حساب آیا باید انتظار داشته باشیم که ماجرای شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و آتش زدن خانه حضرت را در کتب‌هایشان بیاورند؟! این قضیه اصلاً با مبنایی که آقایان دارند اصلاً امکان پذیر نیست. آقایان با این مبنا «يجب الإمساك عما شجر بين الصحابة» مجبورند این مطالب را از کتاب‌هایشان حذف کنند.

تجربه ای عجیب، در مطالعه از کتابخانه بزرگ مکه مکرمه!

بنده در یکی از سفرهایم به مکه به کتابخانه بزرگ «مکتبة الجامعة» شهر مکه واقع در خیابان عزیزیه رفتم که حدود ده الی دوازده طبقه است.

دوستان از بعثه با رئیس این کتابخانه که خیلی شخصیت مؤدبی بود هماهنگی کردند تا ما وارد کتابخانه شویم. بنده یک هفته آنجا رفتم و تنها کارم این بود که میکروفیلم نسخه خطی کتب «صحيح بخاری» و «صحيح مسلم» قبل از قرن پنجم را نگاه کنم.

بنده یک هفته تمام صبح بلند می‌شدم و به کتابخانه می‌رفتم و این میکروفیلم‌ها را مطالعه می‌کردم. رئیس این کتابخانه دستور داده بود که تمام میکروفیلم‌ها را با یک دستگاه در اختیار من قرار دهند.

بنده روایاتی از «صحیح بخاری» که مورد نظرم بود و احتمال می‌دادم چیزهایی از آن حذف شده است را با نسخه‌های جدید مقایسه می‌کردم. من اجازه گرفته بودم که حداقل لب تابم را همراه خود ببرم.

زمانی که نسخه قدیمی را با نسخه‌های جدید مقایسه می‌کردم، می‌دیدم که غوغاست و طوفان به راه افتاده است.

آقایان نسخه‌های خطی «صحیح بخاری» قبل از قرن ششم را بیرون بیاورند با «صحیح بخاری» نسخه‌های جدید مقایسه کنند و ببینند که چه خبر است!

مجری:

خیلی ممنون و متشکرم. گمان می‌کنم هرچقدر جلوتر برویم این کتب بیشتر حذف شود و در نهایت یک جزوه از کتاب «صحیح بخاری» باقی بماند. به نظر من جواب این سؤال را در کتب خود نگاه کنند.

وهابیت یک مبنای ناصوابی را مطرح کردند و به آن تمسک جستند به طوری که الآن نمی‌توانند از آن دست بکشند.

تماس بینندگان برنامه:

حاج آقا تماس تلفنی داریم. آقای عدالتی از مشهد پشت خط ارتباطی ما هستند. سلام علیکم و رحمة الله، بفرمایید:

بیننده (آقای عدالتی از مشهد - شیعه):

سلام خدمت شما مجری گرامی و استاد قزوینی عزیز.

مجری:

سلام علیکم، سلامت باشید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

بیننده:

حاج آقا می‌خواستم قضیه‌ای را مطرح کنم. چند شب پیش یکی از دوستان اهل سنت تماس گرفته بودند و می‌گفتند: مگر می‌شود خلافت حضرت علی امر الهی باشد و غصب شود؟! اگر خلفا غاصب بودند، چرا حضرت علی از حق خود دفاع نکرد؟!

شما جوابی به ایشان دادید و ایشان گفتند که من کتاب‌های خودمان را هم قبول ندارم، جواب عقلی می‌خواستم. بنده می‌خواستم یک جواب عقلی به ایشان بدهم که ان شاء الله قانع شوند.

من می‌خواهم از قرآن کریم صحبت کنم. ما از قرآن کریم عقلانی‌تر نداریم. اگر به قرآن کریم رجوع کنیم و سوره‌های اعراف و طه را بخوانیم، می‌بینیم که داستان حضرت موسی و هارون را آورده است.

اولاً این مطلب را بگویم که حدود یک پنجم از قرآن کریم سرگذشت امت‌های گذشته خصوصاً بنی اسرائیل را مطرح کرده است و در پایان این آیات می‌فرماید:

(أَفَلَا تَعْقِلُونَ)

آیا هیچ فکر نمی‌کنید؟

سوره بقره (2): آیه 44

قرآن کریم در این آیه به صراحت می‌فرماید که وقتی این آیات را می‌خوانید، تفکر و تدبر کنید.

خداوند متعال در جای دیگر می‌فرماید: آیا مردم گمان می‌کنند که آنها را رها می‌کنیم و مورد آزمایش و امتحان قرار نمی‌دهیم، در حالی که امت‌های قبلی را هم مورد آزمایش قرار دادیم.

همچنین در کتاب «صحيح بخاری» روایتی از قول پیغمبر اکرم نقل شده است که می‌گوید: سوسماری در سوراخ نمی‌رود، مگر اینکه همان سوسمار در امت من هم تکرار شود.

تمسک امیرالمؤمنین به سیره انبیای گذشته در برخورد با غاصبان خلافت!

حال ما به سوره‌های اعراف و طه رجوع می‌کنیم. در این سوره‌ها آمده است که وقتی حضرت موسی به کوه طور رفت، حضرت هارون را جانشین خود قرار داد و فرمود:

(اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ اضْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ)

جانشین من در میان قوم من باش و (آنها را) اصلاح کن و از روش مفسدان پیروی منما.

سوره اعراف (7): آیه 142

زمانی که حضرت موسی از کوه طور بازمی‌گردند، می‌بینند که حق جناب هارون غصب شده و اصحاب به وسیله سامری این حق الهی را غصب کرده‌اند. خیلی جالب است که جناب هارون از این حق الهی خود دفاع نمی‌کند و شمشیر نمی‌کشد.

حال سؤال ما از برادران اهل سنت این است که آیا هارون ترسو بوده است؟! جالب است که حضرت هارون در دو آیه علت دفاع نکردن از حقشان را بیان می‌کند و می‌فرماید:

(إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي)

من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سفارش مرا به کار نبستی.

سوره طه (20): آیه 94

اهل سنت این آیه را با سخن امیرالمؤمنین مقایسه کنند. حضرت به جهت اینکه دین اسلام فرقه فرقه نشود، سکوت کردند و از حق الهی خود گذشتند. هارون در جای دیگر می‌فرماید:

(إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونِي)

این گروه مرا در فشار گذاردند و نزدیک بود مرا به قتل برسانند.

سوره اعراف (7): آیه 150

اهل سنت این آیه را با جریان حمله به خانه حضرت فاطمه زهرا مقایسه کنند، زمانی که بر حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شمشیر کشیدند.

اگر این افراد قرآن را بخوانند، جوابی عقلانی‌تر از قرآن کریم نداریم. بنده سی و پنج مورد از آیاتی که حضرت هارون و حضرت موسی با همدیگر صحبت می‌کنند را استخراج کردم که با ماجرای امیرالمؤمنین شباهت دارد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

دست شما درد نکند. خداوند به شما جزای خیر عنایت کند. واقعاً هم همینطور است. ان شاءالله در فرصتی مناسب این مسائل را عرض خواهیم کرد. قرآن کریم در خصوص نبوت الهی امیرالمؤمنین که هیچ شکی در آن نیست، در سوره مریم آیه 50 می‌فرماید:

(وَ اغْتَرِزْكُمْ وَ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ)

و از شما و آنچه غیر از خدا می‌خوانید کناره‌گیری می‌کنم.

سوره مریم (19): آیه 48

حضرت به صراحت می‌فرمایند که من دیگر توان مقاومت در برابر شما را ندارم. قرآن کریم در رابطه با حضرت لوط در سوره مبارکه هود آیه 80 می‌فرماید:

(لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ)

ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود (آن گاه می‌دانستم با شما ددمنشان چه کنم؟!)

سوره هود (11): آیه 80

از این واضح‌تر بیان کنیم. همچنین حضرت یوسف فرمودند:

(رَبِّ السَّجُنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَضَرِفُ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَضْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ)

پروردگارا! زندان نزد من محبوبتر است از آنچه اینها مرا بسوی آن می‌خوانند و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من بازنگردانی قلب من به آنها متمایل می‌گردد و از جاهلان خواهم بود.

سوره یوسف (12): آیه 33

یعنی نستجیر بالله حضرت یوسف اینقدر مردانگی نداشت تا در برابر زلیخا و همسرش مقاومت کند و شجاعانه بایستد؟! حضرت به صراحت می‌فرماید که اگر زندان بروم، برایم از این بهتر است. حضرت موسی که یکی از پیامبران اولو العزم است، می‌فرماید:

(فَفَرَزْتُ مِّنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ)

و به دنبال آن هنگامی که از شما ترسیدم فرار کردم.

سوره شعراء (26): آیه 21

این آقایان که چنین حرف‌هایی می‌زنند، اگر کتاب‌های خودشان را قبول ندارند حداقل قرآن کریم را بخوانند. «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «علل الشرایع» جلد اول صفحه 148 نقل می‌کند که وقتی به امیرالمؤمنین عرضه می‌دارند که چرا با خلفای اول و دوم برای گرفتن حق خود مقابله نکردید، حضرت فرمودند: من به انبیاء الهی اقتدا کردم.

امیرالمؤمنین شروع می‌کنند و آیات الهی را به صورت مرتب یکی پس از دیگری مطرح می‌فرمایند. دوستان کتاب «علل الشرایع» را در این رابطه ملاحظه کنند.

همچنین کتاب «الفضائل» اثر «شاذان بن جبرئیل» با تحقیق ما، صفحه 129 را ملاحظه کنند. امیرالمؤمنین در اینجا قضایا را مفصل بیان فرمودند.

اعتراض این افراد متعلق به امروز و دیروز نیست بلکه در زمان حضرت هم به آن بزرگوار اعتراض می‌کردند که چرا قیام نکردید؟! چرا با خلفا نجنگیدید؟! مگر امامت شما امامت الهی نیست، چرا برای گرفتن امامت الهی چرا قیام نکردید؟!

حال در پاسخ این افراد می‌گوییم که مگر نبوت پیغمبر اکرم الهی نبود؟! چرا حضرت در مکه قیام نکرد؟!

مجری:

خیلی ممنون و متشکرم. البته استاد در جلسه قبل هم این قضایا را کامل توضیح دادند. خلاصه مطلب این می‌شود که اولیاء الهی بنابر مصلحت و حکمت الهی تکالیف خود را انجام می‌دادند.

اولیاء الهی همانند برخی افراد شیفته قدرت نبودند که به هر دلیلی بخواهند به قدرت برسند. هنوز رسول گرامی اسلام دفن نشده بود که این افراد آمدند و برای خود کارهایی انجام دادند و مجلسی گرفتند. آقا سعید از تهران سلام علیکم، شب شما بخیر:

بیننده (آقا سعید از تهران - اهل سنت):

سلام علیکم جناب مجری عزیز. حالتان خوب است؟

مجری:

سلام علیکم.

بیننده:

حضرت استاد سلام عرض می‌کنم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

حضرت استاد ارادت دارم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بزرگوارید، خداوند به شما جزای خیر عنایت کند.

بیننده:

زنده باشید. حضرت استاد در مورد شهادت حضرت فاطمه زهرا خدمت شما عرضی دارم. شما به عنوان یک مبلغ ممتاز شیعه بسیار جهد و تلاش می‌کنید تا ثابت کنید حضرت فاطمه زهرا شهید شده است و در اعتقاداتتان خللی وارد نمی‌شود.

اهل سنت هم به همین روش بر ضد جنابعالی معتقدند که ایشان شهید نشده و به مرگ طبیعی از دنیا رفته است. حال یا در کتب اهل سنت نوشته یا ننوشته است.

شما می‌فرمایید که این قضیه در کتب اهل سنت نوشته شده و آنها می‌گویند نوشته نشده است. شما می‌فرمایید که حضرت فاطمه زهرا شهید شده است و آنها معتقدند که شهید نشده است.

چرا شما شیعیان بر مسئله شهادت حضرت زهرا پافشاری می‌کنید؟

سؤال من این است که آیا حضرتعالی معتقدید که حضرت فاطمه زهرا را بیشتر از اهل سنت دوست دارید که اینطور بر شهید بودن ایشان پافشاری می‌کنید؟!

این سؤال برای بنده سؤالی بسیار مهم است. اگر به عرض بنده رسیده باشید، بنده می‌خواهم به نکته مهم‌تری برسم.

چرا باید بر یک عقیده‌ای که دیگر مسلمانان بر آن اتفاق نظر ندارند و برای خودشان و بزرگان‌شان منجر به توهین می‌دانند پافشاری کرد؟!

اگر الآن کسی بگوید که حضرت فاطمه زهرا شهید نشده است و به مرگ طبیعی از دنیا رفته است، مگر در دینش خللی وارد می‌شود؟! مگر شما می‌توانید ثابت کنید که حضرت فاطمه زهرا را بیشتر دوست دارید؟!

آیا مگر اهل سنت که می‌گویند حضرت فاطمه زهرا شهید نشده است، یک چایی عایشه را تا به حال خورده‌اند؟! آیا این افراد تا به حال یک چایی ابوبکر را خورده‌اند؟! آنها توسط علما و کتب خود به عقیده‌ای رسیده‌اند و جنابعالی هم به عقیده‌ای رسیدید.

حال بنده معتقدم ادعایی که حضرتعالی می‌کنید، تنها و تنها باعث ایجاد اختلاف بیشتر می‌شود و هیچ چیزی را حل نمی‌کند. اگر شما نگویند که حضرت شهید شده است، هیچ اتفاقی نمی‌افتد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقا سعید عزیز! بنده که نیامدم از خودم بگویم حضرت فاطمه زهرا شهید شده است، بلکه از قول امام صادق (علیه السلام) بیان کردم که حضرت فاطمه زهرا مادر آن وجود بزرگوار است.

امام صادق هم از من بیشتر حضرت فاطمه زهرا را دوست دارد و هم از شما و هم از اهل سنت. امام صادق می‌فرماید:

«إِنَّ فَاطِمَةَ عَ صَدِيقَةَ شَهِيدَةٍ»

همچنین رسول گرامی اسلام می‌فرماید: دختر من اولین کسی است که به من ملحق می‌شود؛

«فَتَقَدَّمُ عَلَى مَحْزُونَةٍ مَكْرُوبَةٍ مَغْمُومَةٍ مَغْضُوبَةٍ مَفْتُونَةٍ»

امام باقر (علیه السلام) همین نظر را دارند. ما روایات را نقل می‌کنیم، از خودمان که چیزی درنیابیم.

ما روایاتی که سندا از مبنای ما صحیح است را آوردیم و گفتیم رسول گرامی اسلام و امام صادق و امام باقر فرمودند که حضرت فاطمه زهرا به شهادت رسیده است.

ما در این زمینه روایات متعدد داریم. علمای ما اعم از «سید مرتضی»، «شیخ مفید»، «شیخ طوسی»، «علامه حلی»، «مرحوم ابن براج» و دیگر بزرگان ما همه گفته‌اند که حضرت فاطمه زهرا شهید شده است.

آقا سعید عزیز شما فلسفه طرح این مباحث را از ما می‌خواهید و از ما می‌پرسید که شما بیشتر حضرت فاطمه زهرا را دوست دارید یا اهل سنت بیشتر حضرت را دوست دارند.

در پاسخ باید بگویم که یقیناً ما خیلی بیشتر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را دوست داریم، زیرا ما حضرت فاطمه زهرا را معصوم می‌دانیم و آنها معصوم نمی‌دانند.

ما حضرت فاطمه زهرا را شهیده مسیر ولایت و بزرگ حامی امیرالمؤمنین می دانیم و آن‌ها نمی‌دانند. حضرت فاطمه زهرا مادر یازده امام ما هست، اما اهل سنت این عقیده را ندارند.

بنابراین اگر مقایسه هم کنید، ما نسبت به حضرت فاطمه زهرا با اهل سنت خیلی تفاوت داریم. من بارها گفتم حضرت فاطمه زهرا دین ما، دنیای ما، آخرت ما، ناموس ما و همه چیز ماست.

حضرت فاطمه زهرا به قدری برای ما مقدس هست که حاضریم خودمان و اهل و عیال و بستگان و زندگی خود را فدای خاک زیر پای حضرت فاطمه زهرا کنیم. شما چند نفر از اهل سنت دارید که این عقیده را داشته باشند؟!

بنده همین جا قسم می‌خورم و خدا را شاهد می‌گیرم و همان عبارتی که هر روز در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم، می‌گوییم:

«بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي»

پدرم، مادرم، اهل و عیالم، زندگی‌م همه فدای شما باد!

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2،

ص 615، ج 3213

آیا عزیزان اهل سنت این تعبیر را دارند یا خیر؟! علاوه بر این حضرت فاطمه زهرا سند حقانیت شیعه است. حضرت فاطمه زهرا از دنیا رفت، در حالی که در کتاب «صحیح بخاری» در خصوص حضرت فاطمه زهرا نقل شده است:

«فَعَصِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار
ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص
1126، ح 2926

از طرف دیگر در روایت دیگری آمده است:

«من مات بغير إمامٍ مات ميتةً جاهليةً»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة
قرطبة - مصر، ج 4، ص 96، ح 16922

این روایت در کتاب «صحيح مسلم» جلد 6 صفحه 22 نقل شده است.

مجری:

حضرت استاد ایشان پرسیدند که آیا اثبات شهادت حضرت فاطمه زهرا خلی در اعتقادات اهل سنت وارد
می‌شود یا خیر. شما در جواب فرمودید: بله. بالاخره باید معلوم شود امام حضرت فاطمه زهرا در زمان خلافت
ابوبکر چه کسی بود!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در این صورت نستجیر بالله حضرت فاطمه زهرا به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است؟! اهل سنت باید پاسخ
بدهند. این در حالی است که در روایات اهل سنت آمده است حضرت فاطمه زهرا نه تنها اهل بهشت است،
بلکه سید زنان اهل بهشت است.

بنابراین مشاهده می‌کنید که امام خمینی، مراجع عظام تقلید و مقام معظم رهبری علی‌رغم انتقادات و تقاضاها و اعتراضات زیادی که وجود داشت حاضر نشدند از مراسم‌های شهادت حضرت فاطمه زهرا یک سر سوزن عقب نشینی کنند.

حضرت فاطمه زهرا سند حقانیت شیعه است. ما نمی‌توانیم در خصوص شهادت سند حقانیت شیعه کوتاه بیاییم. ما واقعه غدیر خم را راحت گرفتیم، در نتیجه آقایان آن را انکار کردند.

یکی از آقایان از گوشه و کنار گفت سند واقعه غدیر خم نادرست است و دیگری گفت «مولا» به معنای «ناصر» است.

اگر ایام فاطمیه را هم راحت بگیریم و به سادگی از کنار آن عبور کنیم، آقایان اعلام می‌کنند که حضرت فاطمه زهرا به خاطر کسالت یا آنفولانزا یا بیماری دیگر از دنیا رفتند!!

همانطور که قضیه امام حسین را نمی‌توانیم نادیده بگیریم، ایام فاطمیه و ماجرای شهادت حضرت فاطمه زهرا را هم نمی‌توانیم نادیده بگیریم.

بنابراین حضرت فاطمه زهرا اُس اساس عقیده شیعه و سند حقانیت شیعه است، آن هم نه از کتاب‌های ما بلکه از کتاب‌های خودتان!

در نتیجه ما به هیچ وجه حاضر نیستیم از ماجرای شهادت حضرت فاطمه زهرا عقب نشینی کنیم. بزرگان و ائمه ما هم بر همین عقیده بودند.

شما خطبه امیرالمؤمنین در «نهج البلاغه» به هنگام دفن حضرت فاطمه زهرا را مطالعه کنید. انسان واقعاً با خواندن این خطبه قلبش به درد می‌آید. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) آنچنان مظلومانه و غریبانه حرف می‌زند و می‌فرماید:

«أَمَّا حُزْنِي فَسَزَمْتُ وَ أَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ»

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 320، خ

202

من علی‌ام که خدا قبله نما ساخت مرا

جز خداوند و نبی فاطمه نشناخت مرا

من که یکباره در قلعه خیبر کندم

غم زهرا به خدا از کمر انداخت مرا

«ابن عباس» سال سی و هفت هجری یعنی بیست و هفت سال بعد از شهادت حضرت فاطمه زهرا در جنگ صفین حنا درست می‌کند و به حضرت عرضه می‌دارد: یا امیرالمؤمنین! موی صورت و محاسنتان سفید شده است. قدری حنا بگذارید.

امیرالمؤمنین می‌فرماید: یابن عباس! نمی‌دانی که ما هنوز عزادار فاطمه هستیم؟! ما بعد از شهادت حضرت فاطمه زهرا به نشانه شادی حنا نگذاشتیم.

آنوقت ما بگوییم که می‌خواهیم از شهادت حضرت فاطمه زهرا دست برداریم؟! امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«أَمَّا حُزْنِي فَسَزَمْتُ وَ أَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ»

اگر امیرالمؤمنین هزار سال هم عمر داشتند، در غربت و مصیبت حضرت فاطمه زهرا گریه می‌کردند و محزون بودند.

مجری:

خیلی ممنون و متشکریم. خیلی جامع پاسخ دادید. همچنین از آقا سعید ممنونیم که سؤال خود را صریح و بی پرده بیان کردند.

البته جواب کوتاهی هم به این سؤالشان هست و آن اینکه طبق آیات قرآن کریم تاریخ برای عبرت است. ما معتقدیم که علمای وهابیت نمی‌گذارند حقیقت به مردم اهل سنت و مردم عادی برسد. این مباحث مطرح می‌شود تا حقیقت به گوش همه مردم برسد.

وقت ما تمام شد، اما بیندگانی پشت خط بودند. آقایان و خانم‌ها حاتم نژاد، نوروزی، طباطبایی و موسوی پشت خط بودند که از همه آنها عذرخواهی می‌کنیم. ان شاءالله جلسات بعد در خدمتشان خواهیم بود. شب زیارتی حضرت ابا عبدالله الحسین است. سلامی بدهیم و از خدمت شما عزیزان مرخص شویم.

صلی الله علیک یا ابا عبدالله، صلی الله علیک یا ابا عبدالله، صلی الله علیک یا ابا عبدالله

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته